به رغم همه آثاری که در ۳ دهه اخیر در حوزه موسیقی حماسی تولید شده است اما هیچ‌کدام ذره‌ای از درخشش و اوج‌گیری این گونه موسیقایی را به لحاظ کیفی در دهه ۶۰ نتوانسته‌اند تکرار کنند و همچنان جای خالی اثری که ضمن بهره‌برداری از ترانه فاخر و آهنگسازی منحصر به فرد به خلق آهنگ حماسی منجر شود، در موسیقی ۳ دهه اخیر ایران بشدت خالی است

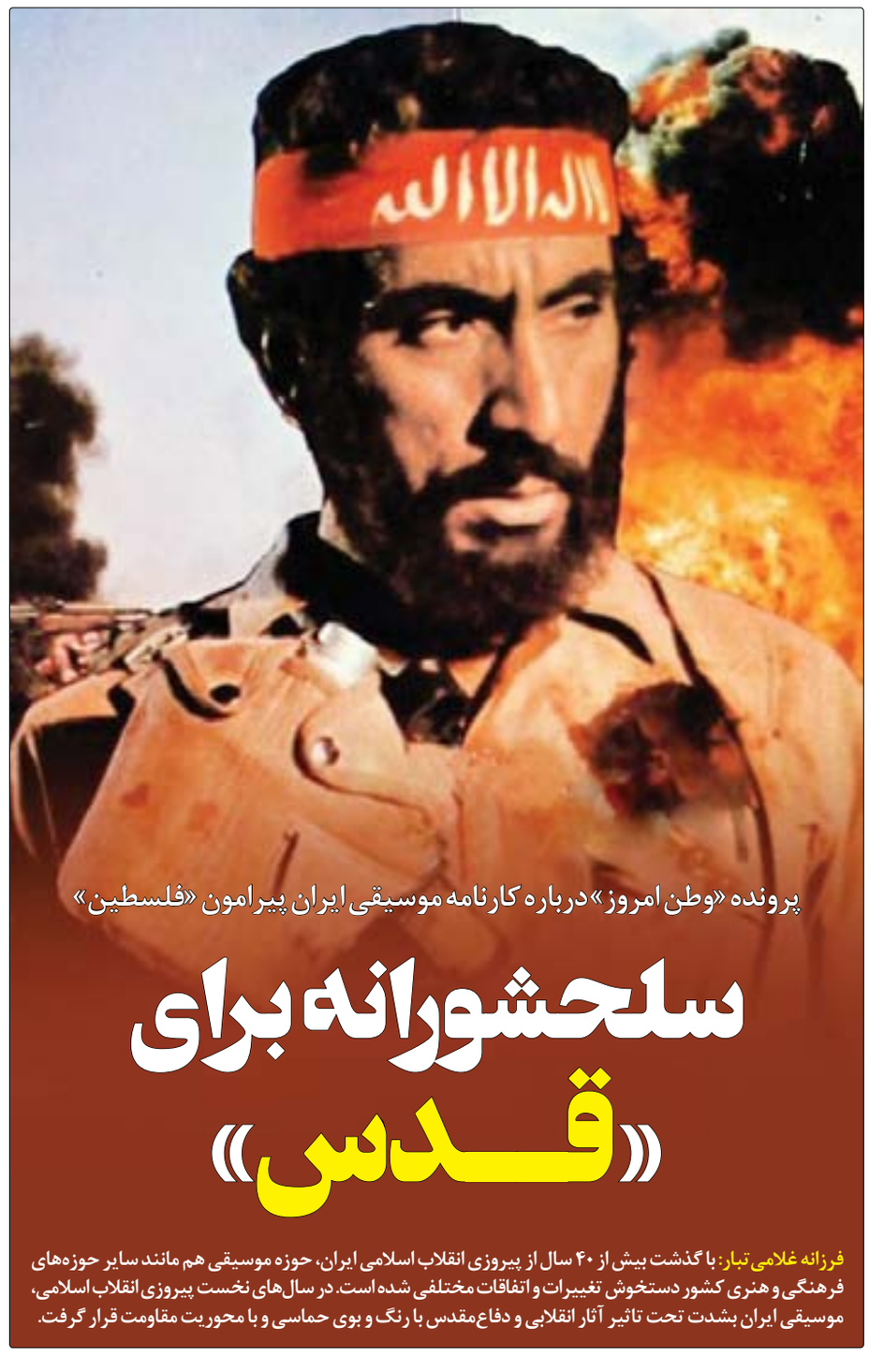

پرونده «وطن امروز» درباره کارنامه موسیقی ایران پیرامون «فلسطین»

سلحشورانه برای «قدس»

فرزانه غلامی تبار: با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حوزه موسیقی هم مانند سایر حوزه‌های فرهنگی و هنری کشور دستخوش تغییرات و اتفاقات مختلفی شده است. در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، موسیقی ایران بشدت تحت تاثیر آثار انقلابی و دفاع‌مقدس با رنگ و بوی حماسی و با محوریت مقاومت قرار گرفت.

موسیقی کلاسیک ایرانی که در میان مخاطبان عام بیشتر به عنوان موسیقی اصیل ایرانی شناخته می‌شود با پیروزی انقلاب اسلامی جان تازه‌ای گرفت. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ گروه‌ها و هنرمندان شاخص موسیقی اصیل ایرانی به خاطر گسترش بی‌رویه موسیقی‌های کاباره‌ای و مبتذل، تنها در چند برنامه محدود رادیو فرصت عرض اندام پیدا می‌کردند تا اینکه در سال ۵۷ و به فاصله چند ماه تا پیروزی انقلاب اسلامی هنرمندان مطرح موسیقی اصیل در آن زمان در قالب گروه‌های شیدا و عارف همکاری خود را با سازمان‌های دولتی (مثل رادیو) به دلیل «پخش آهنگ‌های مبتذل و تشویق به فرهنگ کاباره‌ای» و همچنین در اعتراض به سرکوب مردم انقلابی توسط نظام شاهنشاهی ادامه ندادند. هنرمندان این گروه‌ها در دهه ۶۰ موسیقی اصیل ایرانی را نیز تحت تاثیر دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی قرار دادند. در آن ایام برخی هنرمندان و گروه‌های شاخص موسیقی سعی می‌کردند با تولید و انتشار آثاری با مضامین انقلابی و حماسی ادای دینی کرده باشند به رزمندگان جبهه‌ها.

حتی برخی هنرمندان شناخته شده فعلی موسیقی اصیل ایرانی همچون محمد گلریز و حسام‌الدین سراج با حضور در جبهه‌ها به اجرای زنده موسیقی برای رزمندگان می‌پرداختند که البته اجرا با شرایط خاصی همراه بود که از این میان می‌توان به حضور نوازنده‌ها پشت چادر مشکی برای نشان ندادن سازها اشاره کرد.

همزمان با آهنگسازان و خواننده‌ها، ترانه‌سراهای مطرح در دهه ۶۰ از پرکارترین‌های موسیقی انقلابی و حماسی بودند که در این دهه به خلق ترانه‌های حماسی می‌پرداخته‌اند. از آنجا که موسیقی از اولین روزهای آغاز انقلاب با مردم ایران همراه شده بود، شاعران برجسته آن زمان از جمله «حمید سبزواری» و «علی معلم» با درک صحیح زمانه خویش و به دلیل ارتباط قوی با هسته اصلی انقلاب، توانسته بودند مهم‌ترین حرف‌های انقلاب را برای تولید سرود و موسیقی روانه بازار کنند که در کنار سرودن ترانه‌هایی با مضامین انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، نیم‌نگاهی هم به شعرهای حماسی با محوریت فلسطین اشغالی داشتند. اوج این اقدام خلق اثری ماندگار با عنوان «همپای جلودار» بود که این محصول با ترانه‌ای از مرحوم سبزواری، آهنگسازی و خوانندگی حسام‌الدین سراج و دکلمه مرحوم فرج‌الله سلحشور در قالب یک آلبوم در همان دهه ۶۰ منتشر شد.

در واقع نگاه متعهدانه هنرمندان در دهه اول انقلاب به موضوع هنر، منجر به تولید شاهکارهای هنری زیادی شد. قطعه موسیقایی «همپای جلودار» از آلبوم «نینوا ۱» نمونه‌ای از بروز و ظهور هنر متعهد است که در موسیقی تبلور داشت.

نگاه متعهدانه هنرمندان در دهه اول انقلاب به موضوع هنر، منجر به تولید شاهکارهای هنری زیادی شد. قطعه موسیقایی «همپای جلودار» با شعری از مرحوم سبزواری و دکلمه زنده‌یاد فرج‌الله سلحشور نمونه‌ای از بروز و ظهور هنر متعهد است که در موسیقی تبلور داشت و به زعم بسیاری از کارشناسان حوزه موسیقی این قطعه اثری ممتاز در حوزه آرمان قدس و فلسطین محسوب می‌شود

به زعم بسیاری از کارشناسان حوزه موسیقی قطعه «همپای جلودار» اثری ممتاز در حوزه آرمان قدس و فلسطین محسوب می‌شود که هنوز با گذشت سال‌ها هیچ اثری نتوانسته موفقیت‌های این آهنگ را تکرار کند.

در دهه ۷۰ به رغم اینکه برخی هنرمندان حوزه موسیقی همچون محمد گلریز با همکاری مرحوم سبزواری و آهنگسازان مختلف به خلق آثاری با مضامین انقلابی و حماسی ادامه می‌دادند اما اغلب خواننده‌های سرشناس موسیقی ایرانی به همراه گروه‌های موسیقی خود و آهنگسازان و نوازندگان سرشناس موسیقی بشدت سرگرم برپایی تور کنسرت‌های خود در سراسر کشور و کشورهای اروپایی بودند که این هنرمندان همزمان با انتشار ده‌ها نوار کاست، آثارشان به طور متناوب از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی به گوش مردم می‌رسید؛ آثاری که دیگر رنگ و بویی از آن حال و هوای حماسی دهه ۶۰ نداشت.

اما با ظهور نسل جدید موسیقی پاپ و کم‌کاری بسیاری از خواننده‌های موسیقی ایرانی در دهه ۷۰، دیگر خبری از آن شور و شعف موسیقی حماسی در دهه ۶۰ نبود و آثاری با مضامین انقلابی و حماسی با ۲ روش مختلف به تولید می‌رسید که هر دو شیوه کمکی به اعتلای موسیقی حماسی نکرد؛ یک روش مربوط به تولید آثار سفارشی برخی نهادهای فرهنگی بود که از آنجا که برای انتخاب عوامل تولید آثار کار کارشناسی عمیقی انجام نمی‌شد معمولا خروجی‌ها آثار نامطلوبی به همراه داشت. اما شیوه دوم تولید به برخی آثار موسیقی پاپ مربوط می‌شد و شاهد برخی تک‌آهنگ‌ها در دهه ۷۰ با مضامین انقلابی و حماسی بودیم اما متاسفانه اغلب خوانندگان پاپ اینگونه قطعات با انگیزه سهولت در اعطای مجوز از سوی وزارت ارشاد دست به تولید چنین آثاری می‌زدند که مسلما اثری که در حوزه موسیقی «دلی» نباشد، چنگی به دل نمی‌زند.

اما اوضاع در دهه ۸۰ کاملا دگرگون شد؛ با اوج‌گیری خواننده‌های موسیقی پاپ در این دهه، دیگر خبری از خواننده‌های فعال موسیقی ایرانی در تولید آثار موسیقایی نبود و شاهد تولید آثار مختلفی با مضامین انقلابی، دفاع مقدس و حماسی از سوی خوانندگان پاپ بودیم. فارغ از انگیزه‌های مختلف تولید اینگونه آثار از سوی هنرمندان پاپ، باید گفت این خوانندگان در دهه ۸۰ تمام کاستی‌های موسیقی ایران در دهه ۷۰ را در حوزه تولید آثار حماسی حداقل به لحاظ تعداد قطعات جبران کردند که می‌توان به هنرمندان مطرحی چون محسن چاوشی، امیر تاجیک و حامد زمانی اشاره کرد که از این میان آثار محسن چاوشی و امیر تاجیک بیشتر مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.

بی‌شک محسن چاوشی یکی از پرطرفدارترین خواننده‌های موسیقی پاپ کشورمان است به طوری که تمام آثار این خواننده بشدت مورد توجه اهالی موسیقی قرار می‌گیرد و از سویی سال‌هاست از سوی طرفدارانش به آقای خاص موسیقی پاپ ایران شهره شده است. قطعه آهنگ «فلسطین» با صدای محسن چاوشی به آهنگسازی «کوشان حداد» متعلق به آلبوم «متاسفم» سال ۱۳۸۴ تولید و به آهنگی نوستالژیک تبدیل شد. این اثر سال‌هاست در قالب تیزرهای مختلف تلویزیونی از صدا و سیما پخش می‌شود و توانسته برای بسیاری از مخاطبان خاطره‌انگیز شود.

اما امیر تاجیک، خواننده باسابقه موسیقی پاپ هم سال‌های پیش درست زمانی که با آهنگ مشهور «زیر آسمان شهر» به اوج محبوبیت رسیده بود، قطعه «یه مسجد، وسط دو تا مثلث اسیره» را منتشر کرد؛ قطعه‌ای که با توجه به حجم صدای تاجیک و آهنگسازی خاص کار به اثری پرمخاطب و قابل تامل در موسیقی پاپ کشور تبدیل شد.

جز این دو اثر، خوانندگان پاپ در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ آثار مختلفی را با موضوع «روز قدس» و «آرمان فلسطین» منتشر کرده‌اند اما به واقع این دو اثر از محسن چاوشی و امیر تاجیک بیشتر در ذهن مخاطبان موسیقی ماندگار شده است.

در مجموع باید گفت به رغم همه آثاری که در ۳ دهه اخیر در حوزه موسیقی حماسی به تولید رسیده است اما هیچ‌کدام ذره‌ای از درخشش و اوج‌گیری این گونه موسیقایی را به لحاظ کیفی در دهه ۶۰ نتوانسته‌اند تکرار کنند و همچنان جای خالی اثری که ضمن بهره‌برداری از ترانه فاخر و آهنگسازی منحصر به فرد به خلق آهنگ حماسی منجر شود، در موسیقی ۳ دهه اخیر ایران بشدت احساس می‌شود.

مقصد دیار قدس، همپای جلودار

همان‌طور که در گزارش اشاره شده است، قطعه «همپای جلودار» با شعری از استاد حمید سبزواری، آهنگسازی و صدای سید حسام‌الدین سراج و دکلمه زنده‌یاد فرج‌الله سلحشور یکی از ماندگارترین آثار موسیقی با موضوع مظلومیت فلسطین اشغالی محسوب می‌شود که در ادامه بخشی از این ترانه می‌آید:

وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم
دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
گاه سفر آمد؛ نه هنگام درنگ است
چاووش می‌گوید که ما را وقت تنگ است
گاه سفر شد، باره بر دامن برانیم
تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است
موسی جلودار است و نیل اندر میان است
از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم
بانگ از جرس برخاست وای من خموشم
دریادلان راه سفر در پیش دارند
پا در رکاب راهوار خویش دارند
باید خطر کردن، سفر کردن، رسیدن
ننگ است از میدان، رمیدن، آرمیدن
تنگ است ما را خانه، تنگ است ای برادر!
بر جای ما بیگانه، ننگ است ای برادر!
فرمان رسید: این خانه از دشمن بگیرید!
تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید!
یعنی کلیم، آهنگ جان سامری کرد
ای یاوران! باید ولی را یاوری کرد
گر صد حرامی، صد خطر در پیش داریم
حکم جلودار است سر در پیش داریم
حکم جلودار است بر هامون بتازیم
هامون اگر دریا شود از خون بتازیم
از دشت و دریا در طلب باید گذشتن
بیگاه و گاه و روز و شب باید گذشتن
گر صد حرامی، صد خطر در پیش داریم
حکم جلودار است سر در پیش داریم
فرض است فرمان بردن از حکم جلودار
گر تیغ بارد، گو ببارد نیست دشوار
جانان من برخیز! بر جولان برانیم
زانجا به جولان تا خط لبنان برانیم
آنجا که جولانگاه اولاد یهود است
آنجا که قربانگاه زعتر، صور، صیداست
آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد
آنجا که هر کویش غمی بنهفته دارد
جانان من! اندوه لبنان کشت ما را
بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را
جانان من! برخیز باید بر جبل راند
حکم است باید باره تا دشت امل راند
باید به مژگان رفت گرد از طور سینین
باید به سینه رفت زینجا تا فلسطین
باید به سر زی مسجدالاقصی سفر کرد
باید به راه دوست، ترک جان و سر کرد
جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش
آنک امام ما علم بگرفته بر دوش
تکبیرزن، لبیک‌گو، بنشین به رهوار
مقصد دیار قدس، همپای جلودار...

سیدحمید شاهنگیان در گفت‌وگو با «وطن امروز» از وضعیت کیفی آثار تولیدی با محوریت «قدس» گفت

سرودهای حماسی شناسنامه انقلاب اسلامی است

سیدحمید شاهنگیان، آهنگساز و تنظیم‌کننده مطرح آثار انقلابی موسیقی ایران در گفت‌وگو با «وطن امروز» از کمرنگ شدن تولید آثار باکیفیت حماسی با موضوع مظلومیت فلسطین بشدت انتقاد کرد. شاهنگیان در ابتدا در پاسخ به این پرسش که چرا بعد از گذشت ۳ دهه همچنان ماندگارترین و بهترین موسیقی‌های انقلابی و حماسی مربوط به دهه ۶۰ است، گفت: متاسفانه در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ همچنان شاهدیم که این هنرمندان نسل اول انقلاب اسلامی هستند که در تولید آثار انقلابی و حماسی پرکارتر از هنرمندان نسل‌های بعدی خود هستند و این مسأله از چندین علت نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آن به انگیزه هنرمندان بازمی‌گردد.

وی گفت: هنرمندانی که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ وقایع انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس را از نزدیک لمس کرده بودند به طور اتوماتیک انگیزه تولید آثار حماسی را پیدا کردند اما هنرمندان دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ چون از نزدیک شاهد این اتفاق‌ها و رویدادهای بزرگ نبوده‌اند، انگیزه‌های لازم را برای تولید آثار انقلابی و حماسی پیدا نمی‌کنند و در مجموع طی سال‌های اخیر شاهد خلق آثار «دلی» در این حوزه نبوده‌ایم.

شاهنگیان در ادامه تصریح کرد: «انگیزه» مهم‌ترین نیروی محرک هنرمند برای خلق اثر ماندگار محسوب می‌شود که در ۳ دهه اخیر این ایجاد انگیزه بدرستی از سوی مسؤولان فرهنگی کشور انجام نشده است و از سوی دیگر خود هنرمندان هم در این باره کم‌کاری‌هایی داشته‌اند که امیدوارم از این لحظه به بعد با تغییر این روند شاهد اتفاق‌های خوبی در موسیقی حماسی باشیم.

وی تاکید کرد: امروز موزیسین‌های جوان و متعهدی داریم که اگر بخوبی برای این عده «ایجاد انگیزه» شود می‌توانیم در آینده‌ای نزدیک شاهد تولید آثار درخشانی در این حوزه باشیم.

این استاد موسیقی در ادامه به اهمیت بهره‌گیری از تجربیات بزرگان موسیقی انقلابی از سوی هنرمندان جوان و متعهد اشاره کرد و افزود: حماسه‌سازی‌ها و رویدادهای دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مرا بخوبی بیدار کرد و به من یادآوری کرد به عنوان یک هنرمند مسؤولیتی دارم که آنچه را در تاریخ کشورم اتفاق افتاده، بخوبی روایت کنم و من هم سعی کنم در این مسیر مهم و سخت نقش کوچکی داشته باشم تا با تولید آثار انقلابی بتوانم به همبستگی مردم در آن شرایط حساس کمک کرده باشم که تصور می‌کنم تا حدودی در این میسر موفق بوده‌ام. اما مهم‌ترین وظیفه‌ای که بر دوش هنرمندان نسل اول انقلاب سنگینی می‌کند این است که باید پرچم این مسیر را به جوانان متعهد و با انگیزه بسپارند و اینجاست که می‌طلبد شرایطی فراهم شود که جوانان از اینگونه تجربیات گران‌بها در راستای تولید آثار ماندگار بهره بجویند.

از یک سو عوامل تولید قطعه «همپای جلودار» همگی از همان جنس هنرمندانی هستند که تا قبل از آن در دوران انقلاب و دفاع مقدس دست به تولید آثار درخشانی می‌زدند و از سوی دیگر این اثر با همان حال و هوای آثار ماندگار انقلابی به تولید رسیده است که این ۲ ویژگی به ماندگاری آن کمک مضاعفی کرده است

وی گفت: سرودهای حماسی در واقع شناسنامه انقلاب اسلامی است، زیرا برای خلق این آثار سختی‌های زیادی متحمل شده‌ایم به طوری که در آن ایام انقلاب اسلامی بعضی شب‌ها تا ساعت ۳-۲ می‌ماندیم تا حکومت نظامی تمام شود و بتوانیم از آن زیرزمین حسینیه ارشاد بیرون بیاییم. ما در همان دوران ۲ کار مهم انجام دادیم که یکی از آنها تولید سرود «خمینی ای امام» بود و دیگری هم «برخیزید ای شهیدان راه خدا».

شاهنگیان در ادامه درباره ماندگارترین اثر موسیقی حماسی با محوریت مظلومیت فلسطین گفت: بدون شک خاطره‌انگیزترین اثر درباره «قدس» قطعه آهنگ «همپای جلودار» با ترانه مرحوم سبزواری و خوانندگی حسام‌الدین سراج است و از نکات قابل توجه این اثر می‌توان به تولید اثر در بحبوحه جنگ تحمیلی اشاره کرد و از آنجا که در آن روزها همه تمرکز تولیدات موسیقایی به سمت و سوی دفاع مقدس بود خلق یک اثر در رابطه با فلسطین اشغالی قابل توجه بود.

این هنرمند درباره دلایل ماندگاری این اثر خاطرنشان کرد: از یک سو عوامل تولید «همپای جلودار» همگی از همان جنس هنرمندانی هستند که تا قبل از آن در دوران انقلاب و دفاع مقدس دست به تولید آثار درخشانی می‌زدند و از سوی دیگر این اثر با همان حال و هوای آثار ماندگار انقلابی به تولید رسیده است که این ۲ ویژگی به ماندگاری آن کمک مضاعفی کرده است و تا امروز هیچ اثری به اندازه «همپای جلودار» در حوزه موسیقی با محوریت قدس در میان مخاطبان تاثیرگذار نبوده است که این مسأله هم دلایل متعددی دارد.

وی ادامه داد: یکی از آسیب‌هایی که در تولید اثر درباره فلسطین در این سال‌ها با آن مواجه هستیم، این است که بسیاری از نهادهای فرهنگی معمولا چند روز مانده به روز قدس یادشان می‌افتد در این‌باره به تولید اثر دست بزنند که در مجموع شاهد تولید یک اثر دم‌دستی و با حضور هنرمندان بی‌انگیزه بوده‌ایم.

شاهنگیان تاکید کرد: اینجاست که نقش مسؤولان فرهنگی کشور باید پررنگ‌تر جلوه کند و این مسؤولان باید در این باره برنامه‌ریزی‌های مدون و بلندمدت داشته باشند تا حداقل از سال آینده شاهد تولید آثاری فاخر درباره «روز جهانی قدس» باشیم.

استاد موسیقی در پایان به ذکر خاطره‌ای شنیده نشده از اجرا در مقابل یاسر عرفات پرداخت و گفت: درست خاطرم است همان روزهای آغازین انقلاب که رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین به ایران سفر کرده بود، قطعه‌ای با عنوان «الشرق لنا و الغرب لنا» را همان روزها ساختم و با گروهی در مقابل یاسر عرفات اجرا کردیم و درست خاطرم است یاسر عرفات چنان تحت تاثیر این سرود قرار گرفته بود که بشدت گریه می‌کرد. باید تاکید کرد اثر حماسی درباره مردم مظلوم فلسطین باید طوری باشد که مخاطب چاره‌ای جز اشک ریختن برای مظلومیت آن مردم نداشته باشد و ای کاش روزی دوباره فرا برسد که بتوانیم اثری چون «الشرق لنا و الغرب لنا» را تولید کنیم.

وی در پایان گفت: صدحیف که هیچ نسخه تصویری و صوتی از اجرای سرود «الشرق لنا و الغرب لنا» در آن روز در دسترس نیست که اگر این سرود را دوستان صدا و سیما بتوانند از آرشیو خود پیدا کنند، بدون شک با پخش مجدد آن اتفاق زیبا و دلنشینی رقم خواهد خورد.

محمد گلریز در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

دهه ۶۰ اوج درخشش موسیقی حماسی بود

محمد گلریز، خواننده مطرح سرودها و موسیقی‌های انقلابی و حماسی به «وطن امروز» گفت: از آنجا که سرودهای حماسی از روح و ذهن هنرمند نشات می‌گیرد هیچ وقت تاریخ مصرف ندارد زیرا یک هنرمند برای خلق اثر حماسی نخست باید با تمام وجود به آن حماسه اعتقاد داشته باشد و دوم اینکه از نظر هنری به هیچ وجه برای خلق این اثر کم نگذارد که این ویژگی‌ها در اغلب آثار حماسی و انقلابی موسیقی ایران در دهه ۶۰ به چشم می‌خورد.

وی درباره دلایل کمرنگ شدن تولید آثار حماسی با محوریت روز قدس گفت: در ابتدا باید به یک مسأله اساسی در این باره اشاره کنم و آن اینکه وقتی یک هنرمند در جمهوری اسلامی ایران باور داشته باشد با گذشت دوران دفاع‌مقدس هنوز جنگ تمام نشده است و با ابعاد مختلفی ادامه دارد، نیازی به سفارش برای تولید اثر ندارد زیرا بعد از دفاع مقدس، ما جنگ‌های دیگری مانند جنگ با داعش را داشتیم و الان هم درگیر جنگ با آمریکا و اسرائیل با شکل و شمایل متفاوت نسبت به دوران دفاع‌مقدس هستیم.

وی ادامه داد: متاسفانه خیلی‌ها در این‌باره تحت تاثیر تبلیغات قرار گرفتند. دشمن ما بیکار ننشست و وقتی دید در عرصه هنر فعالیت چشمگیری داریم، از راه تبلیغات منحرف، مبتذل و ترویج آهنگ‌های لس‌آنجلسی و بی‌محتوا، ما را تحت تاثیر قرار داد؛ هزینه‌های گزافی کرد که حتی این موضوع برخی مسؤولان فرهنگی ما را هم تحت تاثیر قرار داد اما با این حال برخی هنرمندان آثاری درباره روز قدس تهیه کرده‌اند که صادقانه باید گفت به لحاظ کمی و کیفی در این حوزه بسیار عقب هستیم.

گلریز که با سرودهای ماندگار «این بانگ آزادی» و «خجسته باد این پیروزی» با شعرهای زنده‌یاد حمید سبزواری به شهرت رسیده است، درباره تکرار نشدن نسل طلایی موسیقی انقلاب گفت: دهه ۶۰ اوج درخشش موسیقی حماسی بود. نسل اول هنرمندان موسیقی انقلابی بشدت معتقد بودند جنگ فقط جبهه‌های نبرد نیست و با دل و جان سعی می‌کردند در جنگ نرم با دشمن مبارزه کنند زیرا معتقد بودند مردم همیشه و تحت هر شرایطی به شنیدن سرودهای حماسی نیازمند هستند.

این خواننده در پایان با تاکید بر مظلوم واقع شدن موسیقی انقلابی در سال‌های اخیر گفت: این روزها جای موسیقی انقلابی بسیار خالی است البته صحبت من این نیست که انواع دیگر موسیقی وجود نداشته باشد اما موضوع این است که باید بخشی را به طور ویژه به موسیقی انقلابی اختصاص دهیم تا هر چه بیشتر بتوانیم به این بخش از هنر توجه کنیم.